خبر

جشنواره موسیقی فجر در یک نگاه

● **شرق:** درحالی‌که کمتر از دو هفته به آغاز سی‌وهفتمین جشنواره موسیقی فجر باقی است، مروری خواهیم داشت بر اطلاعاتی که تاکنون درباره این رویداد موسیقایی منتشر شده است. در ادامه روایت ایسنا را می‌خوانید از جزئیات برگزاری سی‌وهفتمین جشنواره موسیقی فجر که به اختصار آورده شده است: سی‌وهفتمین جشنواره موسیقی فجر پس از یک دوره برگزاری مجازی به علت شرایط کرونا، به صورت حضوری برگزار خواهد شد.

پوستر این جشنواره با طراحی امید عسگری ظهر چهارشنبه (ششم بهمن ماه) با حضور محمود سالاری، معاون هنری، رونمایی شد.

این دوره از جشنواره به صورت رقابتی (جایزه باربد) و غیررقابتی برگزار می‌شود. بازگشت بخش رقابتی جشنواره پس از چند دوره تعطیلی، از سال گذشته (دوره سی‌وششم) رخ داد.

بخش رقابتی جشنواره به صورت باکلام و بی‌کلام در بخش‌های موسیقی (دستگاهی، نواحی، کلاسیک غربی، تلفیقی، پاپ، معاصر و ارکسترال ایران، کودک) و ناشر برگزار می‌شود.

در سی‌وهفتمین جشنواره موسیقی فجر بخش آهنگ‌سازی نیز اضافه شده است.

سی‌وهفتمین جشنواره موسیقی فجر به دبیری حسن ریاحی و ریاست محمد الهیاری برگزار می‌شود. الهیاری هم‌اینک سرپرست دفتر موسیقی است و حسن ریاحی پیش‌ازاین در دوره‌های نوزدهم تا بیست‌ویکم و دوره‌های بیست‌وششم تا سی‌ویکم و در دوره سی‌وششم دبیر جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر بود. در این دوره از جشنواره، اجراهای پاپ از ۲۰ بهمن‌ماه، یعنی دو روز زودتر از اجرای ژانرهای دیگر موسیقی آغاز می‌شود. در روزهای ۲۷ و ۲۸ بهمن ماه ـ به مناسبت وفات حضرت زینب (س) ـ جشنواره موسیقی فجر برنامه‌ای نخواهد داشت و مراسم اختتامیه هم ۲۹ بهمن خواهد بود.

برگزیدگان بخش‌های تخصصی جشنواره مانند جایزه باربد، موسیقی و رسانه و جایزه ترانه در اختتامیه این رویداد معرفی و تجلیل می‌شوند.

جایزه ترانه جشنواره موسیقی فجر به ترانه‌هایی که از مهرماه ۱۳۹۹ تا مهرماه ۱۴۰۰ به صورت تک آهنگ یا در قالب آلبوم موسیقی منتشر شده‌اند، تعلق خواهد گرفت.

گروه‌های بین‌المللی در حوزه موسیقی کلاسیک اجرا خواهند داشت.

بیش از ۸۰ رسانه داخلی و خارجی برای شرکت در جشنواره درخواست داده‌اند. براساس آنچه تاکنون اعلام شده است، رسانه‌هایی از کشورهای ایتالیا، آلمان، ژاپن، چین، ترکیه، جمهوری آذربایجان، روسیه، عراق و لبنان در جشنواره حضور خواهند داشت.

همانند سال‌های گذشته نشست‌های پژوهشی از برنامه‌های دیگر این دوره از جشنواره خواهد بود. در دوره سی‌وششم نشست‌های بخش پژوهش به صورت زنده از شبکه رادیو گفت‌وگو پخش شد.

آرتیبیشن هنر اسلامی را به مزایده می‌گذارد

استادان قاجار در حراج

● یازدهمین مزایده گالری آرتیبیشن که به هنر اسلامی دوره قاجار اختصاص یافته، در تاریخ ۱۵ بهمن تا ۱۶ بهمن در کانال تلگرام مزایده‌های این گالری برگزار می‌شود.

در استیتمنت این نمایشگاه آمده: «امروزه اهمیت هنر اسلامی را می‌توان در خانه‌های حراج خارج از کشور مانند ساتبیز و کریستیز و بونامز و بخش‌های مفصل و بزرگ هنر اسلامی در موزه‌های بنام دنیا دریافت. مجموعه‌ای متنوع از حیث موضوع و مضمون؛ نسخ خطی، قطعه‌های خوشنویسی با تنوع بالا از لحاظ نوع قلم به کار رفته، فرمان‌های شاهی قاجار و منسوجاتی مانند فرش و آثاری مانند قلمدان‌های پاپیه ماشه منقش به نقوش زیرلاکی و جعبه منبت‌کاری‌شده ازجمله آثاری هستند که در این نمایشگاه به نمایش درآمده‌اند».

یازدهمین مزایده گالری آرتیبیشن با نمایش ۳۲ اثر از هنرمندانی نظیر یدالله کجوری، حسین مخصوص، زین‌العابدین اصفهانی، ابراهیم عاصمی، بنان‌الشریعه، عبدالله نیریزی، محمدباقر تنکابنی، فتح‌الله شیرازی و... برگزار خواهد شد. آثار این هنرمندان از تاریخ جمعه، هشتم بهمن تا روز شنبه، ۱۶ بهمن ۱۴۰۰ در گالری آرتیبیشن در معرض تماشای علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

گالری آرتیبیشن از مدت‌ها قبل بر روی مزایده آنلاین آثار هنرمندان کلاسیک و مدرن متمرکز شده است. یازدهمین مزایده گالری آرتیبیشن از ساعت ۱۶ روز ۱۵ بهمن ۱۴۰۰ در کانال تلگرام مزایده‌های این گالری به نشانی @artibition-auction برگزار می‌شود. این مزایده در ساعت ۲۰ روز ۱۶ بهمن ۱۴۰۰ به پایان می‌رسد. علاقه‌مندان می‌توانند برای تماشای آثار همه‌روزه از ساعت ۱۱ تا ۲۰ به نشانی: خیابان شریعتی، پایین‌تر از حسینیه ارشاد، نرسیده به همت، گل نبی (غرب)، میدان احمدی‌روشن (کتابی)، خیابان ساسانی‌پور، خیابان دریا (قندی)، شماره ۶ مراجعه و در صورت علاقه به حضور در مزایده از طریق کانال تلگرام ثبت‌نام کنند.

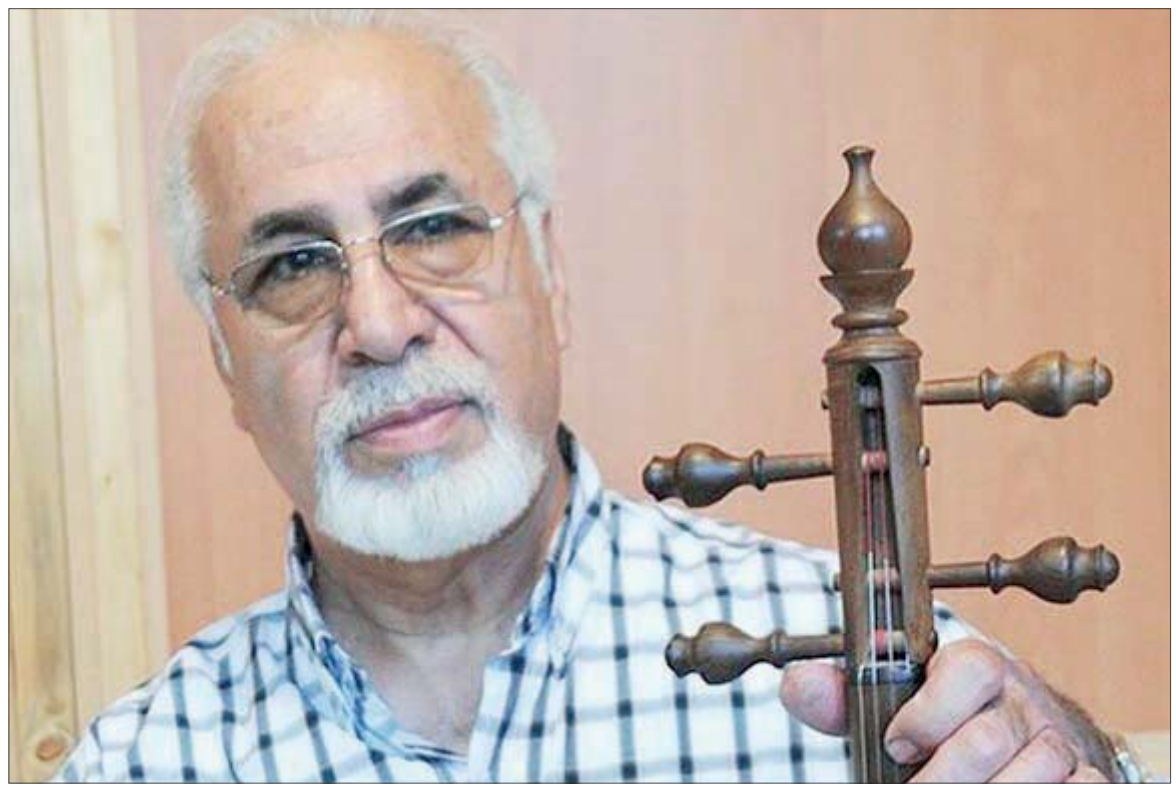

مهدی آذرسینا در گفت‌وگو با «شرق»

کرونا به من بدهکار نیست

علی نامجو

یکی از کمانچه‌نوازان نام‌آور ایران‌زمین است؛ دستی بر آتش ویولن و سه‌تار نیز دارد و سال‌هاست به تألیف و تدریس اشتغال دارد. مهدی آذرسینا را اهالی فن و مخاطبان جدی موسیقی به نیکی می‌شناسند. در محضر بزرگانی همچون نورعلی‌خان برومند، داریوش صفوت و علی‌اصغر بهاری تلمذ کرده و متد اُرف را نیز نزد سعید خدیری فراگرفته است. او به دلیل مشکلات پیش‌آمده برای دستش، مدت‌هاست ساز در دست نگرفته، اما از پای ننشسته و کوشیده در حوزه‌های دیگر به اعتلای موسیقی سرزمینش کمک کند. شیوع کرونا در جهان، سبک زندگی مردم را تغییر داد. هنرمندان نیز از گزند ویروس عالم‌گیر در امان نماندند؛ کنسرت‌ها لغو شد و انتشار آلبوم‌ها به تعویق افتاد. آذرسینا تهدید خانه‌نشینی را به فرصت تبدیل کرد؛ قلم در دست گرفت و به تألیف مقاله‌های موسیقایی و کتاب‌هایی در این زمینه مشغول شد. او کتاب‌های آموزش موسیقی برای کودکان را به رشته تحریر درآورد و کوشید موسیقی اصیل ایرانی را به شکلی صحیح در اختیار آیندگان قرار دهد. همچنین به اصلاح متدهایی پرداخت که سه دهه پیش برای کمانچه نوشته بود. این نوازنده، آهنگ‌ساز، مدرس و مؤلف شهیر در گفت‌وگو با «شرق» به تأثیرات کرونا بر شئون زندگی اهالی موسیقی اشاره کرد. آذرسینا به آینده موسیقی امیدوار است و اعتقاد دارد موسیقی درست با وجود هجوم و همهمه آثار بی‌مایه، مسیر خویش را ادامه می‌دهد. جان‌مایه این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

زندگی مردم جهان در دو سال اخیر زیر سایه سنگین کرونا بوده و تمامی شئونات زندگی تحت تأثیر قرار گرفته است. شما در این مدت چگونه روزگار گذراندید؟

من در روزهای کرونایی نیز دست از کار برنداشته‌ام و همچنان به فعالیت مشغول هستم. در همین ایام، چهار جلد کتاب تکمیلی در باب موسیقی کودک برای بچه‌ها به رشته تحریر درآوردم. این کتاب با نام «موسیقی برای کودکان» از سوی نشر «عارف» به چاپ رسید. همچنین کلاس‌های مختلفی ازجمله تربیت مربی و ارائه مفاهیمی مانند تلفیق، شناخت شعر و وزن در حوزه موسیقی ایران برگزار کردم.

چنانچه می‌دانید چند سال پیش نیز کتاب «شعر؟ یا موسیقی؟ (تنای شعر سپید)» را نوشتم و منتشر کردم. در آن مفهوم، کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی دارم و دوره‌های بسیاری برگزار شده است. به نگارش و آموزش مشغول هستم و تنها کاری که انجام نمی‌دهم، ساززدن است. به دلیل مشکلاتی که برای دستم پیش آمده، امکان دردست‌گرفتن ساز را ندارم. دیگر به‌هیچ‌عنوان نمی‌توانم روی صحنه بروم و ساز بنوازم، اما همان‌طور که گفتم فعالیت‌های دیگر مرتبط با موسیقی را ادامه می‌دهم.

شیوع کرونا چه تأثیری بر سبک زندگی شما به‌عنوان یک موسیقی‌دان و هنرمند داشت؟

سعی کردم مانند تمام مردم با سبک جدید زندگی کنار بیایم. پیش‌تر نیز اشاره کردم من به دلیل مشکلات دستم، امکان ساززدن ندارم، اما اگر هم مشکلی نبود، مانند دیگر هنرمندان، ناگزیر بودم خودم را با شرایط جدید وفق بدهم. چنین نیز کردم و به فعالیت‌های گوناگونی مانند تألیف کتاب و برگزاری کلاس‌های آموزشی پرداختم. نگارش چهار جلد کتاب کار آسانی نیست و نیازمند صرف زمان و انرژی فراوانی است. «ریتم»، «ساز و آواز»، «تئوری موسیقی» و «داستان‌های همراه موسیقی»، چهار جلد مجموعه «موسیقی برای کودکان» را تشکیل می‌دهند. مقالات فراوانی هم نوشتم؛ ازجمله دو، سه مقاله درباره آقای شجریان تألیف کردم. هر کجا حس کردم وجودم لازم است و می‌تواند مثمر ثمر باشد، ورود و دخالتی داشته‌ام؛ کار کردم، نوشتم، گفتم و برنامه‌های آنلاین گذاشتم. در مراسم بزرگداشت استاد «شهریار»، شاعر نامدار، دو ساعت به صورت آنلاین صحبت کردم. شاید در ظاهر به من ارتباط پیدا نکند، اما ۲۷ شهریور سالگرد «شهریار» و روز شعر و ادب پارسی از من دعوت شد تا سخنرانی کنم. سعی کردم به اشکال مختلف در صحنه حضور داشته باشم و اندک تأثیری بگذارم.

درخصوص موسیقی کودکان نیز به‌عنوان یک نوازنده احساس وظیفه کردم و از فرصت پیش‌آمده برای نگارش چهار جلد کتاب بهره بردم تا تئوری موسیقی را به شکلی صحیح و درست در اختیار نسل‌های آینده قرار دهم. اگر من در قامت یک موسیقی‌دان نخواهم این صحبت‌ها را مطرح و مکتوب کنم، چه کسی می‌خواهد چنین کاری را انجام دهد؟ اهالی فن و آنانی که هنر را به صورت جدی دنبال می‌کنند، باید آنچه را آموخته‌اند و تجربه کرده‌اند، به شکلی صحیح به نسل‌های بعد منتقل کنند. در گذشته آموزش موسیقی به صورت سینه به سینه انجام می‌شد، اما حالا امکان نگارش و چاپ کتاب وجود دارد. من نیز سعی کرده‌ام از این امکان بهره ببرم و آنچه را از محضر استادان و بزرگان فرا گرفته‌ام، به رشته تحریر درآورم تا اثری هرچند کوچک، ولی ماندگار از خود به جا بگذارم.

در ساحت‌های مختلف هنری، چه تئاتر و سینما، چه موسیقی و چه تجسمی به دلیل منع تردد بر اثر شیوع کرونا، نحوه ارائه آثار و محصولات هنری نیز تغییر کرد و به بستر اینترنت و فضای آنلاین منتقل شد. از نگاه شما تغییرات پیش‌آمده تا چه اندازه ماندگار خواهد بود و آیا سراسر منفی بوده یا دستاوردهای مثبتی هم داشته است؟

طبیعتا لغو کنسرت‌ها در راستای رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی، ضایعات و لطماتی به موسیقی و معاش هنرمندان وارد کرد؛ چون امکان تجمع مردم در سالن‌های کنسرت وجود نداشت. البته موسیقی‌دانی که کار درست موسیقی انجام می‌دهد، حتی در چنین بحران‌هایی از پا نمی‌نشیند. تمام کسانی که موسیقی برای آنها تفنن، سرگرمی و صرفا منبع درآمد نیست، به خودسازی می‌پردازند و آنچه را باید درون کار مورد توجه قرار دهند، از نظر می‌گذرانند. این افراد، کار خود را رها نمی‌کنند؛ بلکه هر روز بر اندوخته‌های خود می‌افزایند و توانایی خویش را بالا می‌برند. من در این روزها به چنین اقداماتی مشغول بودم. اگر به نکته‌ای برخوردم، به سراغ چند کتاب رفتم و درباره آنچه ذهنم را درگیر کرده، مطالعه کردم. به طور مثال قطعه‌ای در ردیف استاد «برومند»، توجهم را جلب کرده و به دنبالش رفته‌ام تا ببینم در ردیف استاد «صبا» یا استاد «معروفی» نیز به همان شکل نواخته شده یا خیر. رفتم تا ببینم اگر آقای «دوامی» خوانده یا «مفخم‌پایان» نوشته، چگونه است. به سراغ ریزه‌کاری‌ها می‌روم و بی‌کار نمی‌مانم؛ اما درباره شخص من، چون کنسرت نمی‌دهم، کار و زندگی‌ام کمتر از دیگر همکاران تحت تأثیر کرونا قرار گرفته است. البته بر کلاس‌هایم تأثیر گذاشته و حتی تک‌به‌تک، کلاس گذاشته‌ام؛ ولی آموزش را تعطیل نکرده‌ام و تدریس را ادامه داده‌ام. هنرمند نمی‌تواند بی‌کار بنشیند و اگر حوزه‌ای از فعالیت‌های او به دلایل گوناگونی مانند کرونا تحت تأثیر قرار بگیرد، در دیگر حوزه‌ها به فعالیت می‌پردازد.

اکنون کلاس‌های شما به صورت آنلاین برگزار می‌شود؟

حالا دیگر نه، هنرجویان به صورت انفرادی نزد من می‌آیند و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، آموزش می‌گیرند.

به آموزش آنلاین اعتقادی ندارید؟

زمانی این کار را انجام دادم؛ ولی در مجموع به این شیوه آموزشی معتقد نیستم. مقداری برایم سخت بود. البته این دشواری، بیشتر برای ماست؛ چون دیگر سنی از ما گذشته و قدرت تطبیق‌پذیری با فضاهای جدید را کمتر داریم. از طرفی آموزش آنلاین به‌هیچ‌وجه جای آموزش رودررو را نمی‌گیرد و اثری مانند کلاس حضوری بر هنرجو نمی‌گذارد. شاگرد باید دست استاد را ببیند و از نزدیک بر روند آموزش، ناظر باشد. ایرادات کوچک را نمی‌توان از راه دور برطرف کرد. اصلا زمان و مکان اجرا و آموزش دقیق در فضای آنلاین میسر نیست. رکن اصلی موسیقی، ریتم است؛ وقتی به صورت آنلاین درس می‌دهید، ممکن است به دلایل مختلفی ازجمله کاهش سرعت اینترنت، صدا با تأخیر به هنرجو برسد. در چنین شرایطی نمی‌توان ذرات کار را کنترل کرد.

> **امیدوارانه به آینه می‌نگرم. من به خود و ذات موسیقی اعتقاد دارم. به آنچه موسیقی می‌تواند انجام دهم امید دارم؛ درست برخلاف مسیر افسردگی. دیگران هرکاری می‌خواهند انجام دهند. شاید فردی بخواهد موسیقی را پس بزند یا دیگری موسیقی پیش پا افتاده ارائه دهد اما من نگران آنها نیستم، چون نمی‌توانند مقابل هنر و موسیقیِ درست بایستند. نشانه‌اش همین است که ببینیم در عالم شعر، چه افرادی مانده‌اند یا در عالم موسیقی، کدام هنرمندان ماندگار شده‌اند. وقتی به چهره‌های ماندگار نگاه کنید، می‌بینید کار درست، خدشه‌پذیر و پس‌زدنی نیست. چند صباحی به قول معروف: «دیروزود دارد ولی سوخت‌وسوز ندارد»؛ من نیز به همین ضرب‌المثل معتقدم.**

اگر بخواهید نگاه موسیقایی را کنار بگذارید و از دریچه دید هنرمندی پیش‌کسوت به جهان بنگرید، دنیا را چقدر متفاوت از روزگار پیش از کرونا می‌بینید؟

اگر بخواهم در لحظه پاسخ بدهم، فکر می‌کنم شیوع کرونا به افزایش تعمق انجامید. اهالی هنر از حالت بسازوبفروشی و بزن‌درویی، مقداری فاصله گرفتند. کرونا سبب شد هنرمندان با تمرکز و فکر بیشتر حول‌وحوش کار خودشان و آنچه ارائه می‌دهند، فعالیت کرده و در مواجهه با مخاطبان خویش، تعمق بیشتری داشته باشند. تصور می‌کنم از این نظر می‌توان نشانه‌هایی مثبت نیز در روزگار جدید یافت.

فقط کسانی که هر روز روی صحنه بودند، از شیوع کرونا ضرر کردند. البته این شیوه نه روال کار ما و نه ایدئال موسیقی ایرانی است که بخواهیم هر روز روی صحنه باشیم. همان‌طور که گفتم تنها افرادی دچار لطمه از جنبه ثروت و شهرت شدند که مدام روی صحنه حضور داشتند. من از ابتدا در چنین مسیری حرکت نکردم. حالت هنر جدی، واقعی و عمیق را مدنظر داشتم و هنری فارغ از فاکتورهایی مانند شهرت و ثروت برایم از اولویت و اهمیت برخوردار بود. تأثیرات منفی کرونا شامل حال و زندگی هنری من نشد؛ چون پیش از کرونا نیز نمی‌توانستم کنسرت بدهم. در حقیقت کرونا به من بدهکار نیست؛ اما چنانچه اشاره کردم، بر زندگی بخشی از فعالان موسیقی، اثرگذار بوده است.

جهان بعد از کرونا، دنیای بهتر و اخلاق‌مداری شد؟

فکر می‌کنم دنیا، جای بهتر و عمیق‌تری می‌شود و با زاویه دید مناسب‌تری به همین مفاهیم نگریسته خواهد شد. توجه به سیاهی‌لشکر کمتر شده و بیشتر به اصل قضیه پرداخته می‌شود، چون فرصت‌ها افزایش خواهد یافت. وقتی فردی هرروز کنسرت می‌گذارد، بالطبع هرچه را دارد، خرج می‌کند و ممکن است حتی بی‌مایه شود. این موضوع درباره نوشتن نیز صدق می‌کند؛ چراکه بازار با رکود همراه است و باعث می‌شود هنرمند بنشیند، با خود فکر کند و بیشتر به خویش برسد.

چه برنامه‌هایی پیش‌رو دارید؟

بر همان طریقی پیش می‌روم که پیش‌تر گفتم. برنامه‌هایم را مانند گذشته ادامه خواهم داد. از گفتن، نوشتن و دخالت در کار موسیقیِ درست، تا وقتی نفس دارم، از پای نمی‌نشینم. در حدی که صلاح باشد و از عهده‌ام برآید، به فعالیت ادامه می‌دهم. من متدی برای کمانچه نوشته‌ام که مربوط به ۳۰ سال پیش است و اکنون به چاپ هشتم رسیده؛ هرچند اصلاحاتی انجام داده‌ام ولی بازهم می‌بینم خوب است کتاب‌هایی در کنارش باشد. مطالبی تهیه کرده‌ام و کتاب‌هایی در دست نگارش دارم. این کتاب‌ها کمک‌آموزشی هستند و به‌نوعی به فراگیری اتودها و متدها یاری می‌رساند تا شاگرد را خسته نکند. در عالم موسیقی از این جنس کتاب‌ها فراوان است. آهنگ‌های محلی را می‌نویسند و بیشتر جنبه کتاب‌سازی دارد. من نیز چنین کرده‌ام اما کوشیده‌ام نگاهی درست‌تر داشته باشم و در حدی عمل کنم که بتوانم کار مفیدی انجام دهم. امیدوارم هم به کسانی کمک کنم که این سازها را تعلیم می‌دهند و هم یاری‌رسان هنرجویانی باشم که موسیقی را فرامی‌گیرند. می‌خواهم آموزش ساز را قابل تحمل کنم تا هنرجویان از سختی کار فرار نکنند و به نحوی پیش بروند که به مراحل اصلی و بالاتر برسند.

تصنیف‌هایی را در دو مرحله به رشته تحریر درمی‌آورم. برخی تصانیف جدی و بسیار سنگین هستند که نوشته‌های درستی از آنها در دست نیست یا اصلا روی کاغذ نیامده‌اند. آهنگ‌های آسانی را هم آورده‌ام که هنرجویان بتوانند در دو سال اول آموزش بنوازند، خوشحال شوند و به مسیر خود ادامه دهند.

نگاه شما به آینده چگونه است؟

امیدوارانه به آینه می‌نگرم. من به خود و ذات موسیقی اعتقاد دارم. به آنچه موسیقی می‌تواند انجام دهم امید دارم؛ درست برخلاف مسیر افسردگی. دیگران هرکاری می‌خواهند انجام دهند. شاید فردی بخواهد موسیقی را پس بزند یا دیگری موسیقی پیش پا افتاده ارائه دهد اما من نگران آنها نیستم، چون نمی‌توانند مقابل هنر و موسیقیِ درست بایستند. نشانه‌اش همین است که ببینیم در عالم شعر، چه افرادی مانده‌اند یا در عالم موسیقی، کدام هنرمندان ماندگار شده‌اند. وقتی به چهره‌های ماندگار نگاه کنید، می‌بینید کار درست، خدشه‌پذیر و پس‌زدنی نیست. چند صباحی به قول معروف: «دیروزود دارد ولی سوخت‌وسوز ندارد»؛ من نیز به همین ضرب‌المثل معتقدم.

کار درست، ماندنی است. موسیقی پیش می‌رود و کار اصیل و هنری به مسیر خویش ادامه می‌دهد. مهم نیست چه موانعی بر سر راه باشد و چه آثار دیگری تولید شود.

گاهی اصرار بر مسیر درست، پیرامون هنرمند اصیل را خلوت می‌کند؛ گویی احساس می‌کند نزدیکان کم می‌آورند و خسته می‌شوند. به طور مثال وقتی بر موسیقیِ درست تأکید می‌کنید، شاید افراد بسیاری آشکالات خود را برنتابند...

من فکر نمی‌کنم چنین باشد. افرادی که به تذکرات ما توجهی نمی‌کنند، ممکن است استدلالی برای خود داشته باشند. آنچه من از موسیقی درست می‌گویم، نه تعریف خیلی روشنی دارد و نه‌چندان شناخته‌شده است. خیلی‌ها فکر می‌کنند اگر مستقیم بر سر ردیف بروند؛ بنوازند یا بخوانند، دیگر قیامتی برپا می‌شود! درحالی‌که این‌طور نیست. شرط و شروط، شرایط و هزار نکته باریک‌تر از مو در این میان است. ممکن است تعریف‌های ما از نوشتن، قلم‌زدن، نگارش مقاله و ادبیات تا نوازندگی، آهنگسازی و تلفیق شعر و موسیقی، مشکل داشته باشد. اگر تعاریف، آنچه باشد که مد نظر من است، هر آدم درستی به دنبالش می‌رود و آن را پس نمی‌زند. وقتی موسیقی خسته‌کننده شود یا خراب باشد یا هنرمند صرفا پای خود را در یک کفش کند تا مدام به تکرار بپردازد و آثاری بی‌مایه، سست، کُند و مخدر تولید کند، طرفداران آن‌چنانی نخواهد داشت. مشکل، همان تعریف اشتباهی است که بسیاری از ما داریم. کار درست، این‌گونه نیست و مسیر صحیح را پیش می‌رود.

یادداشت

نگاهی به نمایشگاه عکس «در ستایش حیوان» سروش میلانی‌زاده

به دوش کشیدن درد و رنج

پژمان دادخواه

● در ستایش حیوان عنوان جدیدترین مجموعه عکس سروش میلانی‌زاده است که در گالری ثالث به نمایش درآمده است. این مجموعه عکس‌های ایده‌محور که شامل ۱۰ تابلو در قطع ۶۰ در ۹۰ سانتی‌متر است، با فرامتن‌های فرهنگی و اجتماعی در ارتباط است. به عبارتی در این آثار شاهد تفسیر هنرمند از یک‌سری مفاهیم و رخدادهای کلیدی جامعه معاصر هستیم؛ تا جایی که می‌توان گفت عکاسی در اینجا دیگر اتفاق و ثبت لحظه نیست؛ بلکه کنکاش و طی‌کردن مسیری است که از سوی هنرمند نسبت به جهان پیرامونش صورت گرفته است. بیانیه هنرمند به‌عنوان آستانه‌ای مهم برای ورود به متن اصلی، با فاصله‌گرفتن انسان از طبیعت و تسلط بر آن شروع شده و در ادامه به سایر معضلاتی که گریبان بشر را گرفته، منتهی شده است؛ معضلاتی که خودش عامل آنهاست.

سروش میلانی‌زاده در این مجموعه، مانند آثار پیشین خود به زن پرداخته و احوال او را در پرتو رخدادهای اطرافش جست‌وجو کرده و به نمایش گذاشته است. در این عکس‌ها زنان بارداری دیده می‌شوند که در یک مکان ثابت به شکل‌های مختلفی حضور داشته و واکنش‌های عاطفی و هیجانی متفاوتی را از خود بروز می‌دهند. زنانی که می‌توانند به‌عنوان عنصر زاینده و مادرانگی در نظر گرفته شوند و با توجه به نقشی که در زایش دارند، تعمیم‌پذیری آنچه را در بیانیه به آن اشاره شده، بیشتر می‌کنند. همچنین مکان به‌عنوان یک

عنصر نمادین و معنادار بسیار هوشمندانه انتخاب شده است. فضایی آشنا و غریب؛ فضای کوره آجر سنتی که فرم تونل و دالان دارد و این زنان در دل آن قرار گرفته‌اند. شاید قرارگیری افراد در این مکان کمی نامتجانس و غیرطبیعی به نظر برسد؛ اما به واسطه نگاه نمادگرایانه و تفاسیر شخصی هنرمند از یک‌سری مسائل، قابل ادراک است. این مکان از دو جنبه می‌تواند بررسی شود؛ ابتدا زمین و خاک و دوم محل رشد و نمو قبل از تولد. رنگ خاکی این مکان به زمین، خاک و طبیعت که انسان از آن آمده و در آن قرار می‌گیرد، اشاره دارد و جنبه دیگر به شکل محل رشد جنین قبل از تولد. در این مکان زنان جوان بارداری با فرم‌ها و واکنش‌های متفاوتی دیده می‌شوند. گاه تنها هستند، گاه در کنار هم درد می‌کشند و همدیگر را نگاه می‌کنند و در جایی دیگر دچار بی‌حسی شده‌اند؛ اما آیا این بارداری معنای ظاهری دارد؟! در نگاه اول و مستقیم این امر دریافت می‌شود و در نگاه دوم می‌توان به کشیدن درد، رنج و بار روزگار اشاره کرد؛ یعنی بارداربودن همان مصائب و معضلات. چنانچه در تعدادی از این آثار، حس درد، واکنش و برون‌ریزی عاطفی افراد را می‌بینیم و در بخش‌های دیگر، گویی آنها موضع انفعالی پیشه کرده و انگار این درد و رنج و بار برای‌شان تکراری و عادی شده است. سلطه‌جویی‌ها و زیاده‌خواهی‌هایی که در بیانیه به تفصیل به آن اشاره شده، انسان را از سرشت نابش دور کرده و آن آرامش، سکون و راحتی را که قبل‌تر داشت، از او گرفته است؛ یعنی زیاده‌خواهی‌ها و خواستن‌های مکرر برایش رنج به همراه آورده است؛ همان چیزی که محصول جامعه مدرن و سرمایه‌داری است و در پی نگاه کمی‌گرایانه قوت گرفته است. به بیانی طی‌کردن این مسیر سلطه‌جویی و دویدن‌های بی‌معنا، نه‌تنها منجر به تنهایی و ایجاد فاصله انسان با اطرافیانش شد؛ بلکه سبب‌ساز به‌دوش‌کشیدن رنجی عظیم شده و ماحصل آن شاید همان افسردگی باشد. انسان با فاصله‌گرفتن از جهانی که پیش‌تر جزئی از آن بوده است، امروز بیش‌ازپیش احساس تنهایی می‌کند و شرایط کنونی و همان سلطه‌طلبی‌ها این تنهایی، جدایی و فاصله میان آدم‌ها و جهان پیرامونش را تشدید می‌کند. این مکان نیز به واسطه خالی و خلوت‌بودنش، این حس تنهایی را که از آن سخن رفت، با شدت بیشتری تداعی می‌کند. همچنین چسب‌هایی که روی افراد پاشیده شده، انگار خشکی و بی‌حرکتی آنها را بیشتر معنی می‌بخشد و حس سنگینی را بیشتر القا می‌کند.

در این عکس‌ها، تصویر درماندگی در برابر شرایط جامعه معاصر به شکل تأمل‌برانگیزی به نمایش گذاشته شده است. آثار مذکور نشانه زمانی و مکانی مشخصی ندارد و فاقد ارجاع مستقیم است و همین مسئله به نوعی آنها را از قید وابستگی می‌رهاند و از این حیث قدرت تعمیم‌پذیری‌اش بیشتر می‌شود. هنرمند در این آثار قضاوتی نمی‌کند و بیشتر با طرح پرسشی مهم، مخاطب را به کندوکاو پیرامون خود و جهانش رهنمون می‌کند و با تلنگری کوچک او را به هم‌اندیشی دعوت می‌کند.